

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً
مِنْ لَبَنٍ سَائِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کړه!
او زما امر (درسالت) راته آسان کړه! او زما
له ژبی څخه غوټه پرانیزه! چې (خلک) زما په
څیرو (ښه) وپوهیږي"

دسمبر 2019

ربیع الاول 1441

شماره دو صد شصت هفتم

بدهیم تا شک برآورده شود؟ و یا میراث را اصلا
نگیریم؟.

قسمت دوم سؤال: ما هفت خواهر با پدر خود هستیم
و همه ازدواج کرده ایم بغیر از یک خواهر، آیا
برادران مادرم را در میراث شریک سازیم؟

جواب: گرفتن میراث برای شما حلال است. پدر شما
میگوید که سرمایه اش حلال است و شما دلیل برای
حرام بودن آن ندارید. مادر شما که مال را بقسم هدیه
و یا به هر دلیل گرفته برایش مشروع است و مال
باقی مانده حلال است. اما گذاشتن آن در بانک که
باساس سود معامله میکند در این حال اصل باقی
مال حلال است اگر چه در بانک که باساس سود کار
میکند گذاشته شده باشد. و با این هم مال برای شما
که میراث می گیرد حلال است به دلیل اینکه از یک
دست به دست دیگر متبادله شده، و هم به دلیل اینکه
حرام به دو ذمه انتقال نمی کند و چون مال حرام نیست و به
سبب مشروع و قانونی به ذمت شخص دیگر نقل میکند.
و شما بطریق قانونی و مشروع که میراث است آنرا
میگیرید. و بهتر است که فائده را برای فقراء بدهید.

اما توزیع ترکه به بالای ورثه، نصیب هفت دختر ثلث ترکه
است و باقی که ثلاث است برای برادران متوفی توزیع می
شود باساس حق مرد دو و چند حق زن، اگر همه مردان و یا
همه زنان باشند آنها ثلث مال را به صورت مساوی می
گیرند.

مسائل و احکام فقهی

مقاصد شریعت

مقصد اصلی از شریعت اسلامی تحقق مصلحت انسان
و جلب منفعت و دفع ضرر از انسان در زندگی دنیا و
آخرت است. کلیات و جزئیات شریعت برای تحقق همین
مقاصد است. احکام که به نص صریح آمده و احکام که
به اجتهاد می آید همه برای تحقق مقاصد شریعت است.
مقاصد شریعت محورا ساسی و بزرگ در تدوین و
صیانت احکام اسلامی میباشد. قانون گذار و تبلیغ
کننده در مسائل قانونی و فتوا لازم و ضروری است تا
مصلحت شریعت را مد نظر داشته باشند.

میراث از مال که در آن شک باشد

سؤال: من زن شوهر دار و صاحب دو طفل هستم و
الحمد لله امکانات مادی مناسب داریم. مادرم سرمایه و
طلا و خانه دارد و همه سرمایه را از پدرم بصورت هدیه
صاحب شده و اما شک در مال پدرم است که حرام نباشد.
مشکل در این است که مادرم سرمایه را از نداشتن
فرهنگ اسلامی و عدم معرفت از حلال و حرام در بانک
که باساس سود کار میکند گذاشته بود. سؤال این
است که آیا میراث را بگیریم و یک حصه آنرا صدقه

تجلیل از میلاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی رسولہ
الکریم اما بعد:

خداوند در سوره ابراهیم آیه 5 خطاب به حضرت موسی علیه
السلام می فرماید: { و ذکرهم بأيام الله ان فی ذلك لآیات
لکل صبار شکور }.

روزهای خدا را به آنان یاد آوری کن که قطعاً در این { یاد
آوری } برای هر شکیبائی نشانه است.

مراد از ایام ، ایام مخصوص است. روزهایی است که نعمت
های خداوند در آن روز شامل حال مردم شده.

اضافه ایام به الله اشاره به روزهای سرنوشت ساز و مهم زندگی
انسانها است که به خاطر عظمتش به نام الله اضافه شده
است.

از روزهای الله ، روز قیامت ، نابودی قوم نوح و عا ، خارج
شدن حضرت نوح علیه السلام بسلامت از کشتی ، نجات
حضرت ابراهیم و غیره روزها.

اما بهترین روز که در آن آفتاب طلوع کرد روز ولادت سید
البشر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم میباشد. روز
میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از جمله روزهایی
بزرگ الهی است که انسان باید شکر آنرا بجا آورد. حضرت
محمد قهرمان یک فلم ، حکایت و قصه نیست که در میلاد
اش از آن یاد کرد مثلیکه امروز مردم عادت کرده اند و یا در
آذان اسمش ذکر شود. قبل از قصه ولادت و زندگی رسول اکرم
صلی الله علیه وسلم ضرور است تا انسان مؤمن نزدیک با
سنت های رسول الله در زندگی دنیا و آخرت ، صلح و جنگ و
علم و عبادات باشد.

اگر مسلمان با ضمیر و وجدان با رسول اکرم صلی الله علیه
وسلم زندگی نداشته باشد و متابعت او را در عمل و تفکر
نکند ، لازم نیست در شبانه روز صد ها صلوات بفرستاد و یا
میلاد را تجلیل کند.

تاریخ اسلامی شاهد است که مسلمانان تا قرن چهارم
هجری قمری مولود رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ،
عاشورا و دیگر مناسبت ها را تجلیل نکردند . روایت
تاریخی است که فاطمی ها بعد از رسیدن به قدرت در
شمال افریقا و فتح مصر برای اظهار قدرت و بدست
آوردن قلوب مردم و قانونی نشان دادن حکومت شان
بفکر تجلیل از میلاد النبی ، میلاد حضرت علی ،
عاشورا ، غدیر ، تولدی فاطمه الزهراء و امام حاضر
یعنی خلیفه فاطمی شدند.

مؤرخین که تاریخ تجلیل را تحقیق و بررسی کرده اند می
نویسند که در 362 هجری قمری خلیفه فاطمی المعز
لدين الله فاطمی اولین خلیفه بود که از میلاد النبی
تجلیل کرد و این روش تا سال 488 هجری ادامه داشت تا
اینکه خلیفه المستعلی بالله همه تجلیل ها را منع ساخت.
مؤرخ بزرگ اسلامی امام جلال الدین السیوطی در کتاب
اش بنام (حسن المقصد فی عمل المولود) می نویسد:
اول شخص که تجلیل از مولود بصورت منظم و بزرگ کرد
حاکم اربیل « در شمال عراق » ملک المظفر ابوسعید
کوکبری بن زین الدین علی بن بکتکین بود.

ابن خلکان می نویسد: یکی از علماء و فضلاء مشهور از
مغرب به شام و عراق در سال 460 هجری قمری آمد و در
آنجا پادشاه عظیم مظفر الدین بن زین الدین را دید که به
مولود النبی توجه زیاد دارد. این عالم فاضل در مورد
مولود کتاب بزرگ بنام « التنویر فی مولد البشیر النذیر »
نوشت و به پادشاه اهداء کرد و پادشاه بعد از مطالعه آن
برای او هزار دینار اهداء کرد.

مؤرخ بزرگ تقی الدین المقریزی در کتاب اش بنام «
المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار » و احمد
علی القلقشندی در کتاب اش بنام « صبح الأعشا فی
صناعة الإنشاء » می نویسند که اولین مردمی که مولود

هدف از تجلیل دادن صبغه دینی به زعامت بود نه احیاء سنت نبوی علیه السلام.

علماء و زمامداران در چهار قرن اول امت اسلامی را به گذشته مشغول نساختند بلکه به آینده درخشان و تطبیق پلانهای طویل المدت و تطبیق احکام قرآن کریم و سنت نبوی سعی نمودند و از هر فرصت برای رسیدن به اهداف عالی انسانی و تطبیق عدالت اجتماعی استفاده کردند. مصلحت انسان بالاتر از همه امور در نزدشان بود و از نصوص اسلامی برای مصلحت جامعه استنباط کردند. تغییر زمان و مکان را در دعوت اسلامی اعتبار دادند.

مسلمانان چهار قرن اول اسلامی اصول تربیوی حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را در جامعه تطبیق عملی کردند. مسلمانان چهار قرن اول سنت های نبی الله را درک و برای فهم آیات الهی و سنت نبوی عقل را نیز بکار بردند و به این عقیده بودند که عقل سلیم مخالف نص صریح و نص صریح مخالف عقل سلیم نیست و همچنان از تجربه های ملت های غیر اسلامی استفاده کردند. و در تطبیق احکام الهی و سنت نبوی تفاوت بین ثوابت دین و متغیرات و سنت و سیرت و مقاصد شریعت را مراعات کردند و اجتهاد را در امور جدید پذیرفتند.

در عصر های عقب گرائی، امت اسلامی در تمام نواحی، نظامی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ضعیف و ناتوان شد. زمامداران فاسد شکست های خود را عقب پیروزی های گذشته گان پنهان کردند و در بدل رسیدن به پیروزی علمی و رشد اقتصادی و تطبیق عدالت اجتماعی خواستند تا مردم را به گذشته مشغول و برای آینده بی تفاوت سازند. برای بی تفاوت ساختن مردم به آینده از احادیث فتن و آخر ساعت یعنی قیامت که اسلام ضعیف میشود و کفر به قوت میرسد استفاده کردند و معانی احادیث را صحیح به مردم تفسیر نکردند و از

نبوی شریف را بصورت منظم و مرتب تجلیل کردند فاطمی ها بودند و خلیفه فاطمی المعز لدین الله فاطمی اولین خلیفه فاطمی بود که مولود شریف را در سال 362 در مصر تجلیل کرد. شیخ حسن السندوبی در کتاب اش بنام « تاریخ الاحتفال بالمولود النبوی: من عصر الإسلام الأول إلى عصر فاروق الأول» می نویسد: زمانیکه حکومت به المعز لدین الله استحکام یافت برای بدست آوردن قلب های مردم و کسب عواطف شان و قبول سیاست هایش به فکر تجلیل از مولود شریف شد. المعز لدین الله می دانست که برای رسیدن به اهداف اش بهترین وسیله ارتباط به مظاهر دینی است. حسن السندوبی اضافه میکند که فاطمی ها در تجلیل مولود شریف در مصر بخاطر رقابت با بغداد که از مراسم دینی مثل عاشورا و مولود نبی تجلیل میکردند تجلیل کردند.

دکتور عبدالمنعم عبدالحمید سلطان در کتاب اش بنام « الحياة الاجتماعية فی العصر الفاطمی: دراسة تاريخية و ثقافية» می نویسد که بعض وزراء به هدف اینکه قدرت و نفوذ خلیفه ها را تقلیل بدهند تجلیل از میلاد و عید های دیگر را ملغا کردند و اما حاکم بامر الله فاطمی بعد از رسیدن به حکومت تجلیل اعیاد را احیاء کرد تا نفوذ و سلطان خلفای ما قبل خود را اعادت نماید. عبدالرحمن زکی در کتاب خود بنام « القاهرة فی الف عام» می نویسد که فاطمی ها در قرن چهارم هجری قمری - 10 میلادی - میلاد را برای چند روز تجلیل می کردند.

بعد از سقوط دولت فاطمی ایوبی ها به قدرت رسیدند و صلاح الدین ایوبی تمام تجلیل ها را منع کرد و بعد از سقوط دولت ایوبی، ممالیک از میلاد النبوی با همکاری علماء ازهر تجلیل را احیاء کردند. خلفاء عثمانی نیز از مولود النبوی صلی الله علیه و سلم تجلیل کردند.

در تاریخ معاصر بعد از اشغال مصر توسط فرانسه، ناپلیون از میلاد النبوی تجلیل با عظمت کرد و با علماء ازهر در تجلیل اشتراک نمود. مطالعات تاریخی نشان میدهد که

در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم در بین افغانها گروه های بنام قرآنی ظهور و مردم را دعوت به ترک سنت کردند و با تمام جهالت و بی حیائی کتب شش گانه حدیث را به زیاله انداختند. عده باین باور اند که دعوت این گروه { قرآنیون } تأثیر بالای افکار عامه مسلمانان ندارد ، این برداشت نادرست است. قرآن کریم در این مورد ما را هوشدار میدهد . در سوره الناس می خوانیم : الذین یوسوس فی صدور الناس. این گروه در قلب های مردم وسوسه می اندازند و وسوسه آغاز شک است خصوصاً برای آنانکه فرهنگ و ثقافت اسلامی ندارند . متأسفانه عده این دعوت خطرناک را به دلیل اینکه یک ساعت ما خوش بگذرد می شنوند . چرا عده از هموطنان از توهین به مقام سنت و صاحب رسالت و علماء لذت میبرند؟

بعض علماء و یک تعداد از برنامه های اسلامی در تلویزیونهای داخل و خارج افغانستان در مبارزه با این گروه از روش بسیار قدیم کار میگیرند و در دعوت و اصلاح فکر جامعه شرایط محیط و زمان را مد نظر ندارند و در موضوعات جدید تحقیقات نکرده معلومات خود را تجدید نمی کنند و تصور دارند که آنچه آموخته اند کافی و آخر علم است در حالیکه هر روز همانطوریکه در سائر علوم تغییرات پیش میشود در مسائل غیر ثابت اسلامی نیز بحث های جدید به طبع میرسد . اکثر مساجد ما رسالت مسجد را نمی دانند و فکر میکنند که مسجد فقط برای اداء نماز است .

در آخر این بحث توجه شما را به نقاط مهم خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که در حجة الوداع ایراد کردند معطوف می سازم . هیچ خطبه در تاریخ بشریت بشمول خطبه های انبیاء و زعمای سیاسی بدقت مثل خطبه حجة الوداع ثبت نشده است . تاریخ اسلامی ، ساعت ، تعداد

بشارت های قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای پیروزی حق و نشر اسلام در جهان مردم را بی خبر گذاشتند . در عدم فهم صحیح از احادیث مبارک و سیاستهای ظالمانه حکام مردم خیال و تصور کردند که ضعیف شدن و عقب ماندن از کاروان مدنیت یک امر واقعی و قبول شده و از روش های الهی است و تصور کردند که رسول امی که در قرآن ذکر شده باین معنی است که باید امت رسول الله امی باشد .

بعد از چهارده قرن در جوامع اسلامی اشخاص آمدند که مردم را در برابر سنت به شک آوردند و راویان سنت و احادیث را به الفاظ نادرست یاد کردند و دعوت به جدا کردن سنت از تشریحات اسلامی نمودند و قرآن کریم را مصدر واحد دانستند و گفتند که برای فهمیدن حلال و حرام و عبادات تنها به قرآن رجوع کرد و سنت را در مسائل عبادات و معاملات از جمله مصادر تشریح جدا کردند .

دعوت به نفی سنت در تشریحات نخست در هند در قرن نهم و قرن بیستم آغاز یافت . عده ادعاء نبوت کردند و گروه فرضیت جهاد را انکار کردند و مبارزه با استعمار را منع نمودند و گروهی سوم احادیث متواتر و غیر متواتر را انکار و قیمت تشریحی را از سنت به دلیل این که قرآن کافی است سلب کردند .

در قرن بیستم طیب مصری بنام محمد توفیق صدقی (1881-1920) . { صدقی اولین قرآنیون قرن بیستم در جامعه ای اسلامی میباشد } . او در سالهای 1906 و 1907 کتاب خود را بنام (الاسلام هو القرآن وحده) اسلام تنها قرآن است به نشر سپرد و مردم را در مورد راویان احادیث مشکوک ساخت و نوشت که سنت نبوی مصدر دوم تشریح نیست و در مورد نماز و ارکان آن گفت که قرآن امر کرده که نماز بخوانید اما ترتیب نماز را رئیس دولت بعد از مشوره با مشاورین خود مطابق شرایط زمان و مکان تعیین می کند .

مردم و کلمات آنحضرت صلی الله علیه و سلم با تمام دقت و امانت ثبت کرد .

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم انسانها را بطور عام هوشدار و متوجه به چهار امر مهم کردند :

- حرمت دم یعنی خون.
- حرمت ملکیت فردی.
- حرمت خانواده و شرف و عزت مردم.
- حرمت ظلم ، لا تظلموا ، قرآن کریم در 990 جا از ظلم یاد و پیامبر گرامی در 70 حدیث از ظلم مردم را هوشدار داد .

متأسفانه مسلمانان به حرمتها تجاوز و تمرد کردند در چور و چپاول مال مردم کوشیدند ، به شرف و عزت مردم تجاوز کردند ، حرمت خانواده را حفظ نکردند ، حرمت خون را زیر پا کردند در کشتار مردم رحم نکردند ، حرمت مال و سرمایه و ممتلكات شخصی و عمومی را پال مال کردند و به مقدسات اسلامی احترام نگذاشتند . آیا این گروه از مسلمانان حق این را دارند که میلاد سید البشر را تجلیل کنند؟

اسباب عقب گرائی مسلمانان

1. عدم فهم صحیح از قرآن کریم . ما قرآن کریم را میخوانیم لیکن فقه قرآن را نمی دانیم.
2. عدم فهم صحیح از سنت نبوی شریف و عدم تفاوت بین سنت و سیرت. جا دادن سیرت در مقام سنت مشکل بزرگ جوانان و حتی کسانی که در ساحت اسلامی کار میکنند میباشد.
3. عدم ادراک صحیح از مقاصد شریعت . فهم غیر صحیح از مقصد که جمع آن مقاصد است یکی از بزرگترین مشکل در عصر حاضر میباشد و بزرگان که سؤالات مردم را جواب میدهند متوجه مقاصد شریعت نمی باشند و در روشنی مقاصد شریعت جواب نمی دهند . مقصد اصلی و اساسی شریعت تحقق بخشیدن مصلحت انسان و جلب منفعت و دفع ضرر از انسان است . کلیات و

جزئیات شریعت همه برای تحقق همین مقاصد عالی است. احکام اسلامی ، حلال و حرام همه برای مصلحت مردم میباشد و مجتهد در اجتهادات خود باید مصلحت را اهمیت بیشتر بدهد .

4. عدم مراعات عرف و رسم و رواج و تغییراتی که در جوامع اسلامی پیش شده. رسم و رواجها و عرف در کشور های اسلامی نسبت به کشورهای غیر اسلامی متفاوت است متأسفانه ما این تفاوتها را مد نظر نداریم

5. عدم فهم صحیح از فقه اولویات ، فقه مصلحت ، فقه تدرج ، فقه اقلیتهای اسلامی در کشور هایی غیر اسلامی. مسلمانان در پلانهای شان اولویات را مد نظر ندارند و در مورد اولویات تحقیق نمی کنند. تدرج یا درجه بندی برای رسیدن به هدف بسیار اهمیت دارد ، قرآن میگوید که خداوند زمین و آسمان را در هفت روز خلق کرد . قرآن کریم میخواهد ما را در کارها به تدرج آشنا سازد . هستند کسانی که میگویند ما از تدرج یا قدم بقدم استفاده می کنیم اما متأسفانه قدم اول را تا هنوز برنداشته اند . مسلمانان ضرورت و احتیاج به فقه جدید دارند و علماء باین باور اند که هیچ یک مذهب از مذاهب اسلامی به تنهایی قادر به حل مشکلات معاصر مسلمانان نیست و اما مذاهب اسلامی در مجموع با اجتهادات علماء میتواند حل مشکل باشد.

6. بسته شدن دروازه اجتهاد.
7. تسلیم شدن به جهل و جهلاء.
8. مبتلاء شدن مسلمانان به مریضی های اخلاقی مانند : نفاق ، حسد ، خیانت حس تخریب ؛ اسراف و تفرقه و غیره.

تفاوت بین سنت و سیرت در استدلال و حجت بودن

امام مساجد را لازم است تا تفاوت بین سیرت و سنت را در حجت بودن درک صحیح نمایند و برای این کار و عمل تحقیقی باید در ملاحظه را از نظر دور نداشته و به آن اعتبار داد:

1) در سیرت بسیاری از واقعات و احداث است یا ذکر شده که سند متصل و صحیح ندارد و از جانب دیگر در سیرت آن توجه که در روایات احادیث که متعلق به احکام و مسائل اخلاقی و حرام است نشده. 2) سیرت جانب عملی از حیات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را نشان میدهد یعنی قسم (فعل) یعنی عملکرد. و فعل به تنهایی خود دلالت به واجب بودن یک امر نمی کند بلکه دلالت به جواز دارد و برای واجب بودن لازم است دلیل دیگر نیز باشد.

سنت: قرآن کریم مصدر اول در بین مصادر شریعت و سنت بعد از قرآن کریم به مرتبه دوم قرار دار و وظیفه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان احکام قرآن کریم بود. به عبارت دیگر سنت تفسیر عملی و تطبیق واقعی از قرآن کریم و بیانگر احکام الهی میباشد.

علمای سنت، کلمه سنت را این طور معنی می کنند: طریق، منهج، روش و حکمت نبوی در بیان و تفسیر قرآن کریم و شرح حقائق اسلام. سنت منهج شامل بوده که تمام حیات انسان را طولا و عرضا و عمقا احتواء می کند.

سیرت: سیرت یکی از از مهمترین میراث نبوی میباشد. علمای سیرت کوشش کردند تا تمام روش و خصوصیات زندگی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از ولادت تا وفات جمع و ترتیب نمایند. سیرت جانب عملی از زندگی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را نشان میدهد. علمای سیرت کوشش کردند تا هر آنچه رسول اکرم در حیات خصوصی و عمومی خود از

سنت مصدر تشریح و توجیه در پهلوی قرآن کریم است. قرآن کریم اصل و اساس و سنت بیانگر و تفسیر تطبیقی آن است. اما سیرت مصدر تشریحات در اسلام نیست. مشکل اکثر جوانان مسلمان خصوصا در ساحه فقه سیاسی مخلوط کردن سنت با سیرت در حجت بودن است.

اشتباه و خطا عده در این است که سیرت را در موضع یا موقعیت سنت قرار می دهند و باساس سیرت و حوادث آن حکم می کنند و مردم را مجبور و مکلف می سازند تا به همان اندازه و مقدار که از قرآن و سنت استدلال می کنند از سیرت نیز استدلال نمایند به عبارت دیگر سیرت را مانند سنت حجت می دانند.

سیرت مرادف با سنت نیست «السیره لیست مرادفة للسنة» بعض از مسائل در سیرت است که داخل تشریح نمی باشد و هیچ نوع ارتباط و رابطه با تشریحات ندارد بدین ترتیب اصولی ها (فقهاء) سیرت را ضمن تعریف سنت نمی آورند بلکه می گویند: «السنة ما صدر عن النبی صلی الله علیه وسلم من قول و فعل و تقریر» یعنی سنت آن است که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از قول و فعل و تقریر صادر شده باشد.

محدثین یا اهل حدیث در بین «قول و فعل و تقریر» صفات (خلقی و خلقی) را نیز در بحث سیرت اضافه می کنند. اهل حدیث و علمای سیرت آنچه به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تعلق دارد چه ارتباط به تشریح دارد یا ندارد جمع می نمایند مثل: (ولادت، مرحله طفولیت، قبل از بعثت و مرحله جوانی و هر آنچه به حیات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تعلق دارد).

محققین و آنانکه در مسائل قانون و تشریحات و سیاست مشغول تحقیقات اند و همچنان دعوتگران و

تفاوت بین سیرت و سنت /

قدوة حسنه**نمونه خوب**

زندگی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از ولادت تا وفات برای مسلمانان اهمیت فوق العاده دارد و ممکن نیست مسلمان بتواند زندگی خود را تنظیم کند مگر بعد از مطالعه و فهم صحیح از سنت و سیرت نبوی صلی الله علیه وسلم.

خداوند جل جلاله رسول اکرم را در قرآن کریم اینطور صفت میکند: «و إنک لعلی خلق عظیم* القلم: 4» تو (محمد) صاحب خلق یا اخلاق عظیم هستی. قرآن کریم اخلاق عالی را به محمد صلی الله علیه وسلم نسبت میدهد. أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها در جواب سؤال مردم از سیرت رسول اکرم میفرماید: اخلاق او قرآن بود. به عبارت دیگر محمد صلی الله علیه وسلم قرآن زنده بود که در جامعه حرکت می کرد.

بعد از اولین نزول وحی «أقرأ باسم ربک الذی خلق...» حضرت محمد ترسان به منزل برگشت و از شدت خوف از همسرش خدیجه کبری خواست تا او را در آغوش گرم گرفته آرام سازد. بی بی خدیجه شوهر را با کلمات بسیار زیبا خطاب کرد و فرمود:

بخدا قسم که خداوند ترا برای همیشه شرمنده و خجالت نمی کند، تو صلۀ رحم را وصل می کنی، در مانده را کمک می نمائی، بیچاره را کمک می کنی، مهمان را عزت می نمائی و کسانی که در حق اند آنها را حمایت می کنی، از سنن یا روشهای خداوند است، مردی که دارای این خصلت های حمیده باشد هرگز او را خداوند خجالت و شرمنده نمی سازد. خداوند کسانی که خائن و فاسق باشند ایشانرا شرمنده و خجالت می کند.

قبیل انتخاب لباس، طرز نان خوردن، ازدواج ها، خواب کردن، حرکت کردن، خنده، مزاح، خوشی و غم، قرارداده های نظامی و سیاسی ثبت نمایند. مسلمانان ضرورت به مطالعه سیرت دارند اما بشرطیکه سیرت را از منابع علمی و موثق مطالعه نمایند و کوشش شود تا حقایق سیرت خود درک شود.

سنت صحیح متعارض با قرآن نیست

سنت بیان کننده قرآن و شریعت مستقل در دایره کلیات قرآن است نه معارض یا متعارض با قرآن کریم هیچ حدیث صحیح نیست که متعارض و یا مخالف با قرآن واقع شود یا باشد. دانشمند بزرگ علامه ابن القیم در کتاب اش بنام (إعلام الموقعین) در مورد رابطه بین سنت و قرآن می نویسد:

سنت با قرآن از سه وجه:

(1) یا موافق است با قرآن از تمام جهات، در این حالت قرآن و سنت در یک حکم واحد از باب و ادله مساوی است.

(2) یا بیان و تفسیر آنچه در قرآن است.

(3) یا در موردی است که در حکم آن قرآن سکوت کرده مثلاً واجب است و از وجوب آن در قرآن سکوت شده، حرام است و قرآن از تحریم آن سکوت نموده.

آنچه در سنت بر قرآن زائد یا اضافه است در اسلام شریعت است و اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را خداوند بالای مسلمانان واجب ساخته و بی امری رسول الله در عقیده اسلامی معصیت است.

قضائی نماز جمعه

دکتور یوسف القرضاوی

عقیده داشتن به مهدی

احادیث زیادی در مورد ظهور مهدی که همه آن صحیح است آمده که نمیتوان به آنها مخالفت نمود. قضیه اینطور است: یک حاکم مسلمان و پابند به دین اسلام بعد از یک مرحله فتنه و فساد و ظلم و بی عدالتی می آید و قانون خدا را در زمین تطبیق و عدالت اسلامی را جاری و ظلم و ستم را از جامعه ای انسانی از بین می برد. در این مورد هیچ اختلاف بین علماء نیست. لیکن اختلاف در نام و شکل و وقت ظهور مهدی وجود دارد که بسیار قابل اهمیت نیست و مهم در نزد ما عقیده و فکر ظهور و آمدن مهدی است و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ما را به ظهور مهدی بشارت داده و در این باب احادیث صحیح نیز موجود است.

امام احمد و ابو داود از علی رضی الله عنه روایت می کنند که فرمود: رسول الله صلی الله گفت: « لو لم یبق من الدنیا إلا یوم ، لبعث الله رجلا منا ، یملأها عدلا ، کما ملئت جورا » (أبو داود کتاب « المهدی شماره 4283 » . اگر از عمر دنیا یک روز هم باقی بماند ، خداوند از بین ما مردی را مبعوث می کند تا عدالت را در زمین قائم کند مثلثیکه ظلم انتشار یافته . یعنی شخصی را خداوند وظیفه میدهد تا ظلم را به عدالت مبدل سازد و آن شخص مهدی خواهد بود .

در دائره تسنن علماء موضوع مهدی را در باب عقاید نمی آورند یعنی مهدی یکی از اساسات عقیده نیست. قرآن کریم ایمان و عناصر آنرا اینطور بیان میکند : ایمان بخداوند ، به کتب ، به رسل ، به ملائکه و روز آخرت و سنت نبوی ایمان به قدر را نیز به عقاید اضافه میکند .

سؤال: من به نماز جمعه رسیده نتوانستم، آیا نماز جمعه را قضائی بخوانم؟
 جواب: (الفتاوی) کسیکه بسبب عذر شرعی نماز جمعه را حاضر شده نتوانست نماز ظهر را بخواند.
 سؤال: آیا خطبه در نماز جمعه شرط حتمی است؟
 جواب: از مجمع فقهاء الشریعة بأمریکا:
 فقهای هر چهار مذهب اهل سنت و جماعت اتفاق کامل دارند که خطبه شرط صحت نماز جمعه است. همچنان فقهاء در دو شرط دیگر خطبه جمعه با هم اتفاق نظر دارند:
 (1) بعد از داخل شدن وقت نماز جمعه باشد (یعنی قبل از داخل شدن نماز جمعه نباشد).
 (2) خطبه قبل از نماز جمعه میباشد .
 تعدادی از خواهران و برادران ما از کشور ناروی در مورد سقط جنین از فقه اسلامی توضیحات میخواهند که بخدمتشان تقدیم میگردد .

در حالت طلاق آیا طفل به مادر تعلق می گیرد یا به

پدر؟

دکتور یوسف القرضاوی موضوع را تحت عنوان: لماذا کانت الأم أحق بالحضانة « چرا مادر بیشتر سزاوار باشد به نگهداشت و پرورش کودک » این طور بررسی میکند:
 امام احمد و ابو داود از عبدالله بن عمرو روایت میکنند که زنی به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم گفت: ای رسول الله، شکم برای پسرمان خانه بود و سینه ام برایش هواء بود و پستانم برایش غذا بود یا سقاییه بود، پدرش مرا طلق داد و اراده دارد که طفلم را از من بگیرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم به آن زن فرمود: « أنت أحق به ما لم تنکحی » (ای لا تتزوجی). تو به آن طفل بیشتر سزاواری تا آنگاه که ازدواج نکنی .

بدین ترتیب اسلام، حق حضانه یعنی نگهداشت و پرورش طفل را برای مادر داده و مادر را در این حق بیشتر از پدر سزاوار می داند .

Mogaddedi Fazl Ghani
 201 Washington Blvd # 104
 Fremont , ca 94539
 U.S.A
 Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
 Islaminfo.one